

آغاز ثبت سفارش کتاب‌های درسی از امروز

معاون سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش‌وپرورش از آغاز ثبت سفارش کتاب‌های درسی دانش آموزان میان‌پایه از امروز خبر داد.علوی‌تبار افزود: ثبت سفارش کتاب‌های درسی برای دانش آموزان میان‌پایه یعنی دوم تا ششم ابتدایی و هفتم، نهم، یازدهم و دوازدهمی‌ها از ابتدای اردیبهشت از طریق پنجره ملی خدمات دولت هوشمند به آدرس my.govir و خدمات واحد الکترونیک وزارت آموزش‌وپرورش به آدرس my.meduir امکانپذیر خواهد بود.وی بیان کرد: ثبت سفارش دانش آموزان ورودی پایه‌های اول، هفتم و دهمی‌ها از هفتم تیرماه پس از ثبت‌نام قطعی در سامانه سیدا امکان‌پذیر است. معاون سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی ادامه داد: ثبت سفارش برای میان‌پایه‌ها تا پایان خردادماه امکان‌پذیر است و ورودی‌های پایه‌های اول، هفتم و دهم نیز تا دهم شهریور ادامه دارد.

قطع سهمیه سوخت خودروهای فاقد بیمه

رئیس پلیس راهور فراجا از اجرای برنامه‌های تازه برای ساماندهی وضعیت مالکیت و فرسودگی موتورسیکلت‌ها خبر داد. سردار سیدتیمور حسینی با یادآوری مشکلات دهه ۷۰ در زمینه موتورسیکلت‌های فاقد سند، اظهار کرد: این مساله با اجرای طرح شماره‌گذاری تا حد زیادی حل شده است و در حال حاضر مشکلی در زمینه پلاک‌گذاری این وسایل نقلیه وجود ندارد. رئیس پلیس راهور فراجا به چالش‌های موجود درباره مالکیت موتورسیکلت‌ها اشاره کرد و افزود: برنامه‌ریزی‌های لازم برای حل این مساله در حال انجام است و پیش‌بینی می‌شود تا پایان ۶ ماه نخست سال ۱۴۰۴ وضعیت مالکیت موتورسیکلت‌ها به طور کامل تعیین تکلیف شود. رئیس پلیس راهور فراجا همچنین از اجرای طرح مشترکی با همکاری ستاد مدیریت سوخت کشور خبر داد که بر اساس آن، کارت سوخت خودروها و موتورسیکلت‌های فاقد بیمه‌نامه شخصی ثالث از ابتدای خردادماه غیرفعال خواهد شد. وی با اشاره به مواد ۴۵ و ۴۸ قانون بیمه اجباری شخص ثالث اظهار داشت: مطابق قانون، خودروهایی که فاقد بیمه‌نامه شخص ثالث هستند از سهمیه سوخت بهره‌مند نخواهند بود. همچنین تمام دستگاه‌ها و سازمان‌ها مکلفند دریافت بیمه‌نامه شخص ثالث را به عنوان یکی از الزامات اولیه در ارائه خدمات به خودروها رعایت کنند. حسینی افزود: در راستای اجرای این قانون، به وسایل نقلیه فاقد بیمه‌نامه شخص ثالث، اعم از موتورسیکلت و خودرو، یک مهلت یک‌ماهه از اول اردیبهشت تا پایان اردیبهشت‌ماه داده خواهد شد تا نسبت به دریافت بیمه‌نامه اقدام کنند. پس از پایان این مهلت، تا انتهای خرداد، با هماهنگی ستاد مدیریت سوخت کشور، کارت سوخت این وسایل نقلیه غیرفعال خواهد شد.

رویداد آموزشی و سرمایه‌گذاری «حصین» بنیاد برکت برگزار شد

دومین رویداد «حصین» با هدف توانمندسازی گروه‌های مردمی در حوزه کسب‌وکارهای روستایی، با حضور گروه‌های جهادی و مردمی برگزار شد.سیدحسین جعفری، دبیر رویداد و مسؤول قرارگاه اقتصاد مردمی بنیاد برکت، با اعلام این خبر گفت: پس از فراخوان عمومی، بیش از ۷۴۰ گروه برای شرکت در این رویداد ثبت‌نام کردند که پس از ارزیابی چندمرحله‌ای، ۳۱ گروه برتر به مرحله نهایی راه یافتند. وی افزود: در مرحله نخست، بیش از ۲۰۰ گروه به پیش‌رویداد دعوت شدند و آموزش‌های تخصصی برای طراحی مدل کسب‌وکار، ارائه آسانسوری طرح و تکمیل بوم کسب‌وکار را دریافت کردند. پس از ارسال مستندات، تیم‌های کاروری انجام‌دهنده این رویداد با بیان اینکه این رویداد با محوریت آموزش‌های کاربردی برگزار شد،اظهار داشت:طراحی محصول،شناسایی منطقه‌هدف،تجزیره ارزش،گیمیفیکیشن در کسب‌وکار، تولید محتواو عکاسی محصول، تأمین مالی و نگارش طرح کسب‌وکار، از جمله صرفصل‌های آموزشی این رویداد بود. وی گفت: شرکت‌کنندگان پس از پایان رویداد حضوری، وارد مرحله آموزش مجازی شده و در این دوره با همراهی منتورهای تخصصی طرح‌های نهایی خودرا تکمیل می‌کنند.جعفری خاطرنشان کرد: گروه‌های شرکت‌کننده از ۱۸ استان کشور در این دوره حضور داشتند و حوزه‌های فعالیت آنها شامل تولیدات محلی و بومی نظیر عسل، گیاهان دارویی، خرما، چوب و رزین، بادام، حبه‌عناب، خشکبار و پوشاک بوده است.

حمل‌ونقل پاک؛ ضرورتی برای سلامت و آینده پایدار ایران

در نشست تخصصی گروه ارتقای سلامت فرهنگستان علوم پزشکی با محوریت «حمل‌ونقل پاک با رویکرد انسان‌محور»، کارشناسان و متخصصان با بررسی وضعیت آلودگی هوای کلانشهرها و نارسایی‌های موجود در سیستم حمل‌ونقل کشور، بر لزوم توسعه حمل‌ونقل پاک به‌عنوان راهکاری موثر برای بهبود سلامت عمومی و کاهش آسیب‌های زیست‌محیطی تأکید کردند. در این نشست، موضوعاتی همچون آلودگی شدید هوای کلانشهرهای کشور، ناکارآمدی سیستم‌های حمل‌ونقل شهری و لزوم بازنگری در سیاست‌گذاری‌های شهری مورد بحث و بررسی قرار گرفت. سخنرانان نشست با اشاره به آمارهای نگران‌کننده مرتبط با تلفات ناشی از آلودگی هوا، تأکید کردند سالانه بیش از ۳۷۰۰ نفر در تهران و بیش از ۵۰ هزار نفر در کشور، به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم جان خود را بر اثر آلودگی هوا از دست می‌دهند.طبق برآوردها، حدود ۸۸ درصد آلودگی هوای کلانشهرهای ایران ناشی از آلودگی ناشی از وسایل نقلیه عمومی است. کارشناسان با بیان اینکه حمل‌ونقل پاک شامل پیاده‌روی، دوچرخه‌سواری، استفاده از وسایل حمل‌ونقل عمومی و خودروهای برقی می‌شود، آن را یکی از کلیدی‌ترین ابزارها برای مقابله با آلودگی و ارتقای سلامت شهروندان معرفی کردند. در بخش دیگری از نشست، به برخی از تجارب موفق گذشت در زمینه کاهش آلودگی هوا از جمله توسعه شبکه گازرسانی، کاهش گوگرد سوخت و جایگزینی کاربراتورها با انژکتورها اشاره شد.

واکاوی وضعیت مدیریت مدارس کشور برای تحول آفرینی

در گفت‌وگوی «وطن امروز» با علی ذوعلم، رئیس اندیشگاه بیانیه گام دوم انقلاب

آموزش و پرورش نیازمند تلاش بیشتر

به انقلاب فرهنگی در آموزش و پرورش نیازمندیم

با محافظه‌کاری، تحول ایجاد نمی‌شود

شود. در آن صورت می‌توانیم شاهد یک نوع انقلاب فرهنگی و تربیتی باشیم.

■ **عدالت آموزشی و گسترش فعالیت مدارس غیردولتی در تعارض با هم هستند. آیا امکان دارد اینها در راستای اهداف آموزشی و تربیتی کشور با هم آشتی کنند؟ اگر به‌طور؟**
در یک نگاه کلان، مدارس غیردولتی ۲ دسته‌اند. یک دسته مدرسی که موسسان آنها صرفاً برای کسب درآمد این کار را انجام می‌دهند و شهریه‌های گزاف می‌گیرند و به کاری که انجام می‌دهند نه از نظر فردی و نه از نظر اجتماعی نگاه تربیتی ندارند که البته از نظر تعداد در کل کشور کم هستند.
با این حال ادامه فعالیت آنها هم ناشی از ضعف نظارتی آموزش‌وپرورش است. آموزش و پرورش باید نظارت قاطع و دقیق داشته باشد تا از عنوان مدرسه غیردولتی سوءاستفاده نشود.ولی بخش زیادی از مدارس غیردولتی با‌نگاه خیرخواهانه و کمک به تعلیم و تربیت وارد میدان شدند و اتفاقاً پر و بال دادن به اینها و تشویق، کمک و توانمندسازی‌شان حتماً به عدالت آموزشی کمک خواهد کرد. مثلاً کمک مجموعه‌ای که ۳۰ سال است در مناطق محروم مدرسه ایجاد می‌کند و کار تربیتی انجام می‌دهد و معلمان و مربیان زحمت‌کشی دارد را نمی‌توان نادیده گرفت. آنها جایی که آموزش‌وپرورش مدرسه نداشته و نمی‌توانسته معلم بفرستد این کارها را انجام داده‌اند، آن هم با پشتوانه‌های منابع مالی خیران. بنابراین در‌باره عملکرد غیرانتفاعی‌ها این ۲ دسته را باید کاملاً از هم جدا کرد. معتقدم بخشی از مدارس غیردولتی که هم در انتخاب دانش‌آموز گزینش می‌کنند و هم شهریه‌های گزاف می‌گیرند و هم بعضاً پچه‌ها را برای ادامه تحصیل در خارج از کشور آموزش می‌دهند و تربیت می‌کنند، به حال آموزش‌وپرورش ما مضر هستند و باید نظارت تمام با اقتدار تربیتی و هوشمندانه‌روی آنهاانجام‌شود که متأسفانه نمی‌شود. علاوه بر این در برخی موارد، آموزش‌وپرورش در برخورد با مدارس غیردولتی و اعمال ضوابط مصوب دچار تعارض منافع است، به این صورت که درصدی از شهریه‌هایی که این مدارس می‌گیرند باید به صندوقی در آموزش‌وپرورش ریز شود که خرج کیفیت‌بخشی آموزشی و می‌شود. در نتیجه خود به خود متولیان امر دوست دارند پول بیشتری به این صندوق واریز شود. این مساله به این معناست که ممکن است در مواردی با شهریه‌های کلانی که گرفته می‌شود برخورد نبوده، البته نمی‌خواهم بگویم عمومیت دارد. با این حال مساله مدارس غیردولتی نیاز به کالبدشکافی ریز و کارشناسانه و جزئی دارد که در یک گفت‌وگو نمی‌شود به آن پرداخت.

■ **در مساله مدارس غیردولتی و مشارکت‌های مردمی، آموزش‌وپرورش عملاً مدارس را واگذار کرده و با صرفه‌جویی از سهم آموزش‌وپرورش از بودجه عمومی دولت، به بودجه‌های مردمی متکی شده که خود این آفت دیگری در دلش دارد و آن اعمال سلیقه افرادی است که در تعلیم و تربیت پول پرداخت و سرمایه‌گذاری می‌کنند. مثلاً مواردی در همین منطقه ۶ تهران داریم که آموزش قرآن و نماز به دانش‌آموزان ابتدایی را متوقف کردند، چون هیات امانا تشخیص دادند دانش‌آموز ابتدایی نیازی به قرآن و نماز ندارد.**

متأسفانه همین‌طور است. دهه ۸۰ که در دفتر تالیف بودم با دهه ۹۰ که در سازمان پژوهش بودم، در جمع‌های مختلف مدیران و شورای معاونان مطرح می‌کردیم که این موارد نیاز به برخورد عملی دارند. زمانی یکی از معاونان سازمان مدارس غیردولتی پیش من واقعیتی را مطرح کرد که بسیار متأسف‌کننده بود و نشان می‌داد جریزه و شجاعت لازم برای برخوردی که باید باشد نیست و گاهی هم اعمال نفوذهایی از سوی این مدارس می‌شود که مانع برخورد جدی است. به نظر من نیاز به شفاف‌سازی و قاطعیت و آگاه کردن جامعه در این مورد هست و حتی اینها باید در فضاهای رسانه‌ای کشور مورد بحث قرار بگیرد. یعنی منتقدان و مدیران این مجموعه‌ها در رسانه‌های عمومی و پیش چشم مردم بر سر این موارد بحث کنند. در این گفت‌وگوهاست که کمی حقایق روشن و جامعه آگاه می‌شود و بعد هم مطالبه اجتماعی در این رابطه شکل می‌گیرد. در عین حال که نظارت حاکمیتی باید قوی‌تر باشد؛ در حالی که در این بخش دچار اشکالات جدی هستیم و دستگاه‌هایی که باید نظارت کنند این کار را درست انجام نمی‌دهند. یکی از این دستگاه‌ها سازمان بازرسی کل کشور و دیگری مجموعه‌های نظارتی خود آموزش‌وپرورش است. اینها ضعیف‌های موجود است و من هم کاملاً با شما همصدا هستم که باید برخورد و مطالبه‌شود و ما هم هر کاری از دست‌مان بر بیاید باید انجام دهیم. از طرفی معتقدم یک مدبر قوی می‌تواند یک مدرسه دولتی را نیز حتی از نظر مالی به استقلال از بودجه آموزش‌وپرورش برساند. خانواده‌ها اگر ببینند مدرسه محیط فعال و اثرگذاری است رغبت می‌کنند کمک کنند. در کل جامعه ما جامعه فقیری نیست و ما کشور بسیار ثروتمندی هستیم. درست است که در توزیع ثروت عدالت رعایت نشده و در جاهایی شکاف داریم ولی در کل خیلی کشور ثروتمندی هستیم. ایجاد رغبت در میان خانواده‌ها برای کمک به مدرسه نیز به ارتقای نگاه تربیتی به مدرسه و مدرسه‌محوری دارد و خود این هم به ایجاد سازوکارهای مناسب نیاز دارد.

■ **با در نظر گرفتن فرمایش شما اینکه آموزش‌وپرورش‌ی‌ها اصرار دارند مدیران آن در همه سطوح از داخل مجموعه باشند می‌تواند آسیب‌زا باشد؟**
در این صورت می‌توانیم شاهد یک نوع انقلاب فرهنگی و تربیتی باشیم.

در حال حاضر یک معلم با سابقه را مدیر مدرسه می‌کنند. خب! این کافی نیست. یک معلم خوب الزاماً یک مدیر خوب نیست و یک معلم خوب الزاماً یک وزیر یا یک معاون وزیر خوب نیست. در حالی که الان تعصبی وجود دارد مبنی بر اینکه مدیران حتماً از درون آموزش‌وپرورش انتخاب و منصوب شوند. این بسته بودن فضا، دست و پای همه دولت‌ها را در همه دوران‌ها بسته است. البته معتقدم معلم بودن و داشتن سابقه معلمی شرط لازم هست ولی کافی نیست. برای اینکه کسی معاون وزیر بهداشت باشد یا اینکه پزشک خوبی باشد کافی نیست ولی حتماً نمی‌تواند غیرپزشک باشد، چون بالاخره باید مساله را بشناسد. بنابراین درباره آموزش‌وپرورش هم حداقل سابقه تربیتی حتماً لازم است ولی کافی نیست. از طرفی اینکه کسانی از بیرون آموزش‌وپرورش بیایند کمک کنند حتما مفید است اما عمومیت ندارد. ما در آموزش‌وپرورش استان‌ها و شهرستان‌های مختلف، آدم‌های تحصیلکرده در حد دکترا داریم که تجربه ۱۵-۱۰ ساله دارند و جوان و شاداب و باشاط و خلاقند اینها را باید شناسایی کنیم و به کار بگیریم. متأسفانه اغلب دیوارکشی‌های جناحی و سیاسی و گاهی منطقه‌ای و قومی مانع می‌شود و الا از این جهت آموزش‌وپرورش بسیار غنی است. از بین یک میلیون و ۲۰۰ هزار نفر نیروی انسانی در آموزش‌وپرورش و کسانی که در مدارس غیردولتی کار می‌کنند حتماً می‌شود انتخاب‌های خوبی کرد ولی مهم‌تر از انتخاب، باید بتوانیم افراد را توانمند کنیم. نباید توقع داشته باشیم طرف از اول همه چیز را بداند. باید کار گاه‌های آموزشی و مهارت‌افزایی برگزار کنیم و به خلاقیت خود افراد و تفاوت‌های منطقه‌ای و اجتماعی کشور توجه داشته باشیم. اداره یک مدرسه در چهارپا به اداره یک مدرسه در خلخال حتما متفاوت است. این تفاوت‌ها را باید در نظر بگیریم. به این زمینه راهکارهای بسیار شفاف وجود دارد که دشوار ولی شدنی هستند. باید مدیریت کلان آموزش‌وپرورش به آنها تن بدهد و حاضر شود آنها را اعمال کند.

■ **در گفته‌های‌تان به سهم آموزش‌وپرورش از بودجه عمومی کشور اشاره‌ای نکردید. آیا از نظر شما موضوع بی‌اهمیتی است؟**

موضوع بسیار مهمی است. ما در زمینه اقتصاد آموزش‌وپرورش به یک جادی و تأمین منابع پایدار نیاز داریم. بودجه سالانه تعلیم و تربیت هر قدر هم افزایش پیدا کند با تورم ۴۰-۳۰ درصد، کسری مزمن این وزارتخانه را جبران نمی‌کند. در این زمینه باید به گونه‌ای روی مردمی‌سازی آموزش‌وپرورش حساب کنیم که همراه با افزایش سهم دولت به توان مالی دستگاه تعلیم و تربیت اضافه کند. در حال حاضر وقتی صحبت از افزایش مشارکت‌های مالی

مردم می‌شود اینطور برداشت می‌شود که می‌تواند در ازای افزایش این مشارکت‌ها از تخصیص سهم خود برای آموزش‌وپرورش صرفه‌جویی کند. در حالی که اینطور نیست، من معتقد به صرفه‌جویی در آموزش‌وپرورش نیستم و باور دارم هر ریالی که بیشتر در آموزش‌وپرورش خرج کنیم به شرطی که هوشمندانه و درست هزینه‌شود، کیفیت را بالا می‌برد. مثلاً ما به توسعه ساعات تربیتی بویژه در دبستان نیاز داریم. بنابراین هر کلاس ما باید بتواند از یک تیم ۲ نفره معلم - مربی بهره‌مند شود و این حتماً نیاز به هزینه بیشتری دارد. این کار علاوه بر نتایج تربیتی و آموزشی، به ارتقای کیفیت نیروی انسانی و پیشگیری از فرسودگی آنها کمک می‌کند. بنابراین ضروری است مردمی‌سازی را به معنی استفاده از ظرفیت‌های مردمی در پیش بگیریم. اختیار دادن به مدرسه برای تأمین منابع مالی از داخل کتب و به افزایش سهم آموزش‌وپرورش از بودجه عمومی حتماً فکر کنیم. الان رتبه آموزش‌وپرورش ما در مقایسه با سایر کشورها از لحاظ سهمش از بودجه عمومی خیلی پایین است به‌طوری‌که حتی جوامعی داریم که تا ۲۰ درصد بودجه عمومی دولت صرف آموزش‌وپرورش می‌شود، در کشور ما به‌ترین شرایط بین ۷ تا ۷ درصد بودجه عمومی را به آموزش‌وپرورش اختصاص می‌دهند. البته از آنجا که در کشور ما آمار و ارقام خیلی متفاوت است و یک طرف ملاحظاتی در انتشار رقم دقیق بودجه‌هاست و گاهی با آمار و ارقام بازی می‌کنند، نمی‌توان قضاوت درستی داشت اما اگر بخواهیم رقم تخصیصی را در نظر بگیریم سهم آموزش‌وپرورش از بودجه عمومی کشور قابل قبول نیست.

■ **برآوردها نشان می‌دهد در حال حاضر بالغ بر ۹۰ درصد بودجه آموزش‌وپرورش صرف حقوق و مزایا می‌شود. بنابراین به نظر می‌رسد این وزارتخانه کارکرد خود را از دست داده و به یک اداره نیروی انسانی زیر نظر سازمان برنامه و بودجه تبدیل شده است. چطور می‌شود این معادله را برعکس کرد و بودجه را به نفع تعلیم و تربیت ارتقا داد؟**

این موضوع خیلی طبیعی است. چون همین نیروی انسانی باید مدرسه را اداره کند. این ما هستیم که باید بودجه را به گونه‌ای افزایش دهیم که این ۹۰ درصد، ۷۰ درصد بودجه بشود. این ارقام به نظر نامتناسب ناشی از این است که جمع بودجه بسیار ناکافی است. بنابراین نخستین، مهم‌ترین و ضروری‌ترین هزینه آموزش‌وپرورش که پرداخت حقوق و مزایای معلمان و مربیان است، مجالی نمی‌گذارد که بقیه کارها هم سهمی داشته باشند. مثلاً برای ارتقای معلمان و مربیان و بازآموزی مستمر آنها باید فرآیند مستقلی مثل سازمان رشد و پرورش معلمان و مربیان داشته باشیم که بودجه کلان، فضا،



محتوا، نیروی انسانی و... می‌خواهد. بودجه این سازمان ۱۰ تا ۱۵ درصد بودجه آموزش‌وپرورش می‌شود که به همین منابع ضعیف دیده‌شده بازمی‌گردد. این جدا از طرح‌های ناقص الخلقه و ابتری مانند رتبه‌بندی معلمان است. در حال حاضر سازمان برنامه و بودجه در کشور یک نوع آمريت و نه عاملیت برای خود احساس می‌کند و به جای اینکه سازمانی باشد که بر اساس اولویت‌های کشور، سیاست‌های ابلاغی رهبری و توصیه‌های رئیس‌جمهور عمل کند، می‌خواهد آمر و دستوردهنده باشد. این مشکل در فرهنگ سازمانی آن سازمان هست که امیدواریم در دوره جدید اصلاح شود.

■ **به نظر شما انقلاب فرهنگی در مدارس چطور اجرا خواهد شد؟**

چند اقدام کلان هم‌زمان باید طراحی و اجرایی شود. یکی اینکه هر استان متناسب با تفاوت‌های خود، یک سند تحول توسعه آموزش‌وپرورش داشته باشد. در تدوین این اسناد، نهادهای منابع انسانی و معتمدان استان حضور داشته باشند و دست‌کم تا ۲۰ درصد بر نامه‌های درسی و تربیتی آنها منحصراً به تأمین نیازهای آن استان باشد. بعد مشخص‌شود هر استان در یک بازه زمانی مثلاً ۱۰ ساله از نظر سخت‌افزاری و نرم‌افزاری و بازسازی در ساختار اداری ستاد وزارتخانه است. زیرا به دنبال باید شورای آموزش‌وپرورش استان تقویت، تربیتی اصلاح و به اقتدارش در سطح استان اضافه‌شود. بحث بودجه استانی هم که مطرح کردیم در همین راستا است. کار بعدی تحول و بازسازی در ساختار اداری ستاد وزارتخانه است. زیرا به دنبال کاهش تمرکز، خود به خود به این همه اداره و نیروی انسانی و تشکیلات نیاز نداریم. فقط باید یک سازمان تقویت‌کننده و حمایتگر استان‌ها داشته باشیم که به سطح مدرسه هم ورود پیدا کند و این کار را به استان‌ها، ادارات کل مناطق و نواحی‌شان بسپارد. مدرسه‌محوری نمی‌تواند پرشی باشد به طوری که از اداره کل و شهرستان به مدرسه ببریم. در این صورت طرح حتماً شکست خواهد خورد. آموزش‌وپرورش باید استان‌محور اداره شود و مسائل ۳۲ مدیرکل استانی در وزارتخانه حل شود.

■ **یعنی به اداره فدرالی آموزش‌وپرورش اعتقاد دارید؟**

نه تعریف فدرالی را قبول ندارم. زیرا معنای مورد نظر را افاده نمی‌کند، بلکه موجب یک بدفهمی هم خواهد شد. من به اداره مردمی آموزش‌وپرورش و مشارکت جدی کمی و کیفی هر منطقه در آموزش‌وپرورش خودشان اعتقاد دارم. باید به مدیران اعتماد کنیم. مدیران کل آموزش‌وپرورش در یک استان، باید وزیر آموزش‌وپرورش در آن استان تلقی شوند. نماینده کابلاغ‌کننده بشمارند. البته الان ادارات کل استانی ما نقش طراحی و برنامه‌ریزی و اندیشه‌ورزی در استان ندارند

و بیشتر نقش‌شان واسطه‌گری است. یعنی فقط بخشنامه‌ها را ابلاغ می‌کنند و گزارش می‌دهند، در صورتی که باید اختیارات تفویض‌شود و منطقه به عنوان پشتیبان مدارس خود را تعریف کند. بخواهیم نمونه عینی بیان کنیم این است که اگر مدرسه مشکل تربیتی پیدا کرد با دانش‌آموزی نیاز به مشاوره قوی‌تری داشت به منطقه مراجعه کند و خود منطقه اگر در جایی مشکلی داشت اداره کل باید مشکلس را حل کند. این توصیف عملیاتی کاهش تمرکز و افزایش اختیارات ادارات کل است. در این صورت وزارت آموزش‌وپرورش از سنگینی این ساختمان‌های متعدد و ۴ هزار نیروی انسانی به یک جمع فکری و اندیشهای تبدیل می‌شود که به جای حل و فصل مسائل روزمره استان‌ها، روی آینده تعلیم و تربیت و توانمندسازی خود متمرکز می‌شود. این مساله به همین راحتی که بیان می‌شود اجرا نمی‌شود اما راهی هم جز این نداریم. با توجه به گستردگی کشور، پهناور بودن سرزمین، تنوع قومی و فرهنگی و جمعیت عظیم دانش‌آموزی، اگر به دنبال ارتقای کیفیت آموزش‌وپرورش هستیم، راهی جز این نداریم که اول در خود آموزش‌وپرورش مشارکت، کشتگری واقعی و جدی احاد اعضای آن را ایجاد کنیم و البته جامعه هم به ما کمک خواهد کرد. امروز نهادهایی داریم که در این زمینه‌ها فعال و توانمند هستند و می‌توانند کمک کنند. وقتی یک نوع کسانی در دستگاه تعلیم و تربیت شکل می‌گیرد، انحراف و اشکال هم در بستر محافظه‌کاری به وجود می‌آید. اگر در تحول دچار محافظه‌کاری شویم هیچ وقت تحول ایجاد نمی‌شود. تحول نیاز به روحیه انقلابی تحولگرا دارد. روحیه محافظه‌کاری دالما می‌خواهد وضع موجود را حفظ کند. به اعتقاد من بدون کسانی در دستگاه تعلیم و تربیت هستند که اساساً انگیزه و علاقهای برای تحول ندارند. شاید شعار بدهند ولی وقتی کار به صورت جدی به تحول می‌رسد، می‌گویند این کار مال کشورهای پیشرفته است و مال ما نیست. یکی از دلایل این امر هم به خاطر دوره‌های کوتاه‌مدیریتی است به طوری که مدیران حاضر نمی‌شوند در دوره‌های کوتاه فعالیت خود ریسک کنند و تمایل دارند وضع موجود را حفظ کنند. در این میان با حاکمیتی شدن آموزش‌وپرورش مخالفم و این مشکلی را رفع نمی‌کند و فقط هزینه را اضافه می‌کند. قانون اساسی هم این را نمی‌گوید و قانون تأکید دارد قوه مجریه در این زمینه مسؤولیت دارد. در این زمینه اگر عزمی برای پذیرفتن ایده‌ها باشد، حتماً ایده‌های جدیدی به میدان می‌آیند اما چون حاضر نیستیم ایده‌های جدید و تحولی را بشنویم، به روزمرگی دچاریم که آفت آموزش‌وپرورش است. در حال حاضر تصلب، تمرکز و تجر و ساختار بروکراتیک آفاتی هستند که آموزش‌وپرورش به آن دچار است.